

Intellectual Foundations of Human Rights in the Ideology of Shi'a Islam

Abdolmahdi Arabshahi Moghadam¹, Hossein Khakpour²

¹ Assistant Professor, Department of Theology, Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran (**Corresponding author**). arabshahi255@theo.usb.ac.ir

² Associate Professor, Department of Shia History, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran. dr.khakpour@neyshabur.ac.ir

Abstract

The present study seeks, through a descriptive-analytical method, to elucidate the intellectual foundations of human rights based on the ideology of Shi'a Islam, utilizing the most important Shi'a sources, namely Nahj al-Balāgha, Risālat al-Huqūq, Şahīfat al-Sajjādiyya, and other narrations transmitted from the infallible Imams of the Shi'a. Human rights, in its terminological sense, even within Western thought and law, does not possess a long historical precedent. The most significant intellectual foundations of human rights in the ideology of Shi'a Islam, mostly discussed in Nahj al-Balāgha, include: the principle of dignity, theistic orientation, the immortality of humankind, the right to life and security, the right to freedom, the right to defense and redress, the right to ownership, the right to religious freedom, the right to self-determination and political freedom, the reciprocal rights of rulers and the people, the right to equality and equity, and the right to citizenship. Through a cursory comparison with the contents of the Universal Declaration of Human Rights, it was demonstrated that: a) Human rights are not inventions of Western schools of thought; rather, the divine religions—particularly the sublime religion of Islam, which came to establish all rights, including human rights—offered human rights to humanity, and these rights are explicitly emphasized in religious sources such as the Qur'an and Nahj al-Balāgha. However, the term "human rights" is a modern terminology initiated by the West and gained prevalence after World War II. b) Due to the emphasis on intellectual foundations such as theism and the immortality of humankind in Islam and the lack of attention to these aspects in Western human rights, some principles presented in the Universal Declaration of Human Rights differ from the intellectual foundations of Islamic human rights. c) The proposition of Islamic human rights is not merely a reactive measure against Western human rights; rather, these concepts have been discussed from ancient times in Islamic law and jurisprudential regulations. d) All that is presented as human rights in Islamic sources, including Nahj al-Balāgha, does not constitute innovative rulings of Islam; rather, part of these concepts belongs to the confirmatory rulings (ahkām imdā'ī) of Islam, which, due to their rationality and congruence with human nature, have been endorsed and are recognized from the Islamic viewpoint as obligatory human rights.

Keywords: Human Rights, Citizenship Rights, Nahj al-Balāgha, Imām 'Alī (p.h).

Received: 2024-03-11 ; Received in revised form: 2024-05-07 ; Accepted: 2024-06-10 ; Published online: 2024-06-22

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.103407.1335>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



بنیادهای فکری حقوق بشر در ایدئولوژی اسلام شیعی

عبدالمهدی عربشاهی مقدم^۱، حسین خاکپور^۲

^۱ استادیار، گروه الهیات، فقه و میانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول).
arabshahi255@theo.usb.ac.ir
^۲ دانشیار، گروه تاریخ تشیع، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. dr.khakupour@neyshabur.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، بنیادهای فکری حقوق بشر را براساس ایدئولوژی اسلام شیعی تبیین کرده و در این راه از مهم‌ترین منابع شیعی یعنی نهج‌البلاغه، رساله حقوق و صحیفه سجادیه و سایر روایات وارده از ائمه معصومین شیعه استفاده شده است. حقوق بشر در معنای اصطلاحی آن، حتی در اندیشه و حقوق غرب سابقه تاریخی کهنی ندارد، مهم‌ترین بنیادهای فکری حقوق بشر در ایدئولوژی اسلام شیعی که نوعاً در نهج‌البلاغه مطرح شده، عبارتند از: اصل کرامت، خداجو بودن، جاودانگی انسان، حق حیات و امنیت، حق آزادی، حق دفاع و احقاق حق، حق مالکیت، حق آزادی مذهب، حق تعیین سرنوشت و آزادی سیاسی، حقوق متقابل حاکم و مردم، حق برابری و مساوات و حق شهروندی، که با مقایسه گذرا با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان داده شد که: الف) حقوق بشر چیزی نیست که مکاتب غربی مبتکر آن باشند، بلکه ادیان الهی و بویژه دین مبین اسلام که برای احقاق همه حقوق از جمله حقوق بشر آمده، حقوق بشر را به بشریت عرضه کرده و در منابع دینی از جمله قرآن و نهج‌البلاغه به وضوح بر این حقوق تأکید شده است. اما اصطلاح «حقوق بشر» اصطلاحی جدید بوده و مبدع آن غربی‌ها هستند که بعداز جنگ جهانی دوم رواج یافت. ب) به دلیل توجه به بنیادهای فکری مانند خداجو بودن و جاودانگی انسان در اسلام و عدم توجه به آن در حقوق بشر غربی، برخی از اصولی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح می‌گردد، با بنیادهای فکری حقوق بشر اسلامی تفاوت دارد. ج) طرح حقوق بشر اسلامی صرفاً یک مقابله به‌مثل در برابر حقوق بشر غربی نیست، بلکه این مفاهیم از قدیم‌الایام در حقوق اسلامی و قوانین فقهی آن مطرح بوده‌اند. د) همه آنچه که با عنوان حقوق بشر در منابع اسلامی از جمله نهج‌البلاغه مطرح می‌شود، از احکام تأسیسی اسلام نیست، بلکه بخشی از این مفاهیم جزء احکام امضائی اسلام بوده که به دلیل منطقی و متناسب بودن با فطرت انسان، مورد تأیید قرار گرفته و از دیدگاه اسلام به عنوان حقوق الزامی بشر شناخته شده است.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر، حقوق شهروندی، نهج‌البلاغه، امام علی(ع).

استاد به این مقاله: عربشاهی مقدم، عبدالمهدی؛ خاکپور، حسین (۱۴۰۳). بنیادهای فکری حقوق بشر در ایدئولوژی اسلام شیعی. *سیاست متعالیه*.

۱۲(۲): ۷۲-۵۹. <https://doi.org/10.22034/SM.2025.103407.1335>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۶

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

از جمله باورهای جهانشمول این است که انسان دارای حقوقی است که دانستن و رعایت و اجرای آنها می‌تواند زندگی موفق و سعادت‌آمیزی برای او داشته باشد، با نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی بشر، مشخص می‌شود که همه انسان‌ها به دنبال حقوق خود بوده و هستند، هرچند که این جهانشمولی در هنگام تعریف و تشریح این حقوق، به پراکندگی وسیع و گسترده‌ای دچار می‌گردد که نتوان از يك واژه‌نامه یکسان در حیطه حقوق بشر استفاده کرد. برای رعایت حقوق بشر ضروری است که بر موارد و مصادیق این حقوق علم و آگاهی داشت. در یک تعریف از حقوق بشر آمده است: حقوق بشر به حقوقی اطلاق می‌شود که هر انسانی به واسطه انسان بودن، به طور مطلق از آن برخوردار است و هدف از آن حمایت از انسان‌هایی است که حقوق آنها توسط افراد، نهادها و یا حکومت‌ها مورد نقض قرار می‌گیرد و یا به عبارتی مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. بنابراین، حقوق برای همه افراد انسانی اعتبار دارد. مثلاً انسان‌ها حق دارند به مراقبت‌های پزشکی و تحصیلات دسترسی داشته باشند. اما بنیادهای فکری حقوق بشر از کجا نشأت گرفته است؟ به جرأت می‌توان گفت، همه ادیان الهی و یا مکاتب اخلاقی، منشاء فکری حقوق بشری هستند، اما در این میان دین اسلام و بویژه مذهب تشیع بسیار گسترده و دقیق بنیادهای فکری حقوق بشری را ارائه کرده است.

از این رو بهترین و مطمئن‌ترین راه‌ها برای دستیابی به بنیادهای فکری حقوق بشر در ایدئولوژی اسلام شیعی، مراجعه به کلام رهبران اسلام شیعی (ع) است، و بر اساس رهنمودها و آموزه‌های آنها، حقوق انسان‌ها را از آن جهت که انسان هستند، بیان نمودند که در قالب خطبه‌ها و اوامر، نامه‌ها و رسائل و وصایا، کلمات قصار، حکمت‌آمیز و مواضع، ادعیه‌ها و توصیه‌ها در نهج‌البلاغه، رساله حقوق امام زین العابدین (ع) و صحیفه سجادیه و سایر روایات به دست ما رسیده است. با مطالعه آنها می‌توان به معنای واقعی کلمه یک بیانیه حقوق بشری کامل را که دارای بنیاد فکری دینی است، متصور شد. البته این بیانیه حقوق بشر با بنیادهای فکری اسلام شیعی قرن‌ها قبل از بیانیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، با دقت و ظرافت بیشتر بیان شده است.

در این راستا، پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، بنیادهای فکری حقوق بشر را براساس ایدئولوژی اسلام شیعی بیان کرده و در این راه از مهم‌ترین منابع شیعی یعنی نهج‌البلاغه، رساله حقوق و صحیفه سجادیه و سایر روایات وارده از ائمه معصومین شیعه استفاده شده است. اما با توجه به گستره آموزه‌های کتاب نهج‌البلاغه در میان کشورهای مسلمان و حتی مسیحیت، بیشتر تمرکز پژوهش بر کتاب نهج‌البلاغه است.

۲. تاریخچه حقوق بشر

حقوق بشر به معنای اصطلاحی آن، حتی در اندیشه و حقوق غرب سابقه تاریخی کهنی ندارد و تا قبل از قرن ۱۲ میلادی اثری از این حقوق در قوانین موضوعه غربی‌ها دیده نمی‌شود. اما آنچه به نام «اعلامیه حقوق بشر» در جهان معروف شد، در متن يك نهضت اجتماعی، و پس از انقلاب کبیر فرانسه به نام اعلان حقوق بشر منتشر شد و عبارت از یک سلسله اصول کلی بود که در آغاز قانون اساسی فرانسه قید شده و جزء لاینفک قانون اساسی فرانسه محسوب می‌شد و بعد از جنگ جهانی دوم در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی با عنوان «اعلامیه جهانی حقوق بشر» به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. مهم‌ترین هدف اعلامیه جهانی حقوق بشر، شناسایی ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان بر مبنای آزادی، عدالت و صلح است. به ویژه توجه زیادی به برابری حقوق انسانی زن و مرد و همچنین کودکان، صرف‌نظر از رنگ پوست، نژاد، جنسیت و غیره دارد. رنوس حقوقی که با پدیده «حقوق بشر» گردآوری شده، عبارتند از: حق حیات، آزادی، برابری، عدالت، دادخواهی عادلانه، حق حفظ در مقابل سوءاستفاده از قدرت، حفاظت در مقابل شکنجه، حفاظت شرافت و خوش‌نامی، حق پناهندگی، حقوق اقلیت‌ها، حق شرکت در حیات اجتماعی، حق آزادی فکر، ایمان و سخن، حق آزادی دین، حق تجمع و اعلان، حقوق اقتصادی (حق حفظ مال، حق انتخاب کار، حق فرد بر اشتراك در امور ضروری مادی و معنوی)، حق تشکیل خانواده، حق تعلیم و تربیت، حق حفظ حیات فردی شخص و حق انتخاب آزاد محل زیست (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۴).

۳. مبانی حقوق بشر

مبنای حقوق بشر، ناشی از حیثیت و کرامت ذاتی انسان است. در واقع حقوق بشر عام و جهانشمول و برای تثبیت حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها است. حقوق بشر به هر انسان، صرف‌نظر از زندگی در جامعه یا جدا از جامعه و در انزوا و به تنهایی تعلق دارد. در مفهوم حقوق بشر، تعریف واحدی ارائه نشده و توافقی در این مورد وجود ندارد، و بارها تعریف و بازتعریف شده و در هر دوره، مکتب و صاحب‌نظری از منظر خود به این موضوع نگریسته و چارچوب آن را تبیین کرده است. به بیان کلی، «حقوق بشر» حقوق بنیادین و انتقال‌ناپذیری است که برای حیات نوع بشر، اساسی تلقی می‌شود، یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوع‌شان حمایت از مقام، منزلت و کرامت انسانی است (ذاکریان، ۱۳۸۳). در تعریفی دیگر، «حقوق بشر به مجموعه حقوقی که به سکنه یک کشور اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده شود، گفته می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳).

۴. حقوق بشر در اسلام

در بررسی آیات قرآن و سیره پیامبر اسلام (ص) یک انقلاب در زمینه مسائل حقوق بشر مطرح است. آیات مختلفی که بر کرامت انسان و مساوی بودن همه انسان‌ها اعم از زن و مرد، و سیاه و سفید و سایر حقوق انسان تأکید دارد، و همچنین احترامی که پیامبر (ص) برای انسان‌ها از هر عقیده و رنگ و طبقه اجتماعی قائل بود و جایگاهی که به زنان در جامعه قائل شد، در تاریخ بشر کم‌نظیر است. وقتی پیامبر (ص) با یهودیان و مسیحیان متحد، و با قبول پیوستن آنها به جامعه اسلامی وحدت ملی را پایه‌ریزی می‌کند و از زنده به گور کردن دختران به عنوان یک انسان براساس فرامین الهی جلوگیری می‌کند و یاران خود را به آزادی و اظهارنظر، حتی در برابر نقطه‌نظرات خود تشویق می‌کند و نشستن ساده در حلقه یارانش را بر تکیه بر مقام و اریکه قدرت ترجیح می‌دهد، تصویری زیبا از حقوق بشر را در تاریخ اسلام ترسیم می‌کند. یاران پیامبر (ص) که تربیت شده این مکتب بودند، هرکدام الگویی از این تصور و تصویر بودند. در این میان حضرت علی (ع) بیش از هر شخصیت اسلامی دیگر در این زمینه سخت‌گیر و روشنگر بود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق). البته با توجه به تفسیر و تبیین مسائل مربوط به حقوق بشر در مجموعه آیات الهی در قرآن کریم و گردآوری آنها در یک مجموعه، می‌توان قرآن را یکی از کهن‌ترین اسناد مدون در زمینه حقوق بشر در مقایسه با مجموعه حقوق بشر غربی قلمداد نمود. هرچند این امر با جمع‌آوری سخنان، رفتارها و تقریرهای پیامبر اسلام (ص) و تدوین احادیث و سیره نبوی، به صورت وسیع‌تر در زمینه تدوین مفاهیم حقوق بشر در اسلام بیان شده است، به طوری که مبانی و ریشه‌های حقوق بشر را می‌توان در لابه‌لای کتب حدیث و سیره پیدا کرد.

۵. بنیادهای فکری حقوق بشر

نگرش اسلام و غرب به انسان و حقوق بشر، تفاوت‌هایی دارند، به طوری که با نگاه اجمالی به بیانیه حقوق بشر سازمان ملل متحد، مشخص می‌شود که همه دغدغه حقوق بشر غربی، استیفای حقوق انسان در بُعد مادی است؛ در حالی که نگرشی که اسلام نسبت به انسان دارد، شامل دو بُعد مادی و معنوی بوده و اهمیتی که اسلام به جنبه روحانی و فطری انسان بخشیده، دست کمی از جنبه مادی او ندارد و از طرفی، تعریف فقهای اسلام از حقوق به معنای عام کلمه است. لذا، اصول و مبانی مورد بحث در حقوق بشر اسلامی با مفاهیم و مبانی مورد بحث در غرب، تفاوت‌هایی دارد؛ زیرا ارزش‌های حقوقی و بشری منشعب از اصول اسلامی، ضمن تأکید بر حقوق مادی، با نگاهی به کرامت ذاتی انسان و فطرت خداجوئی وی و نیز اعتقاد به زندگی اُخروی و ابدی، بر حقوق معنوی نیز تأکید دارد.

۶. بنیادهای فکری حقوق بشر در اسلام شیعی

هرچند بین بنیادهای فکری حقوق بشری ایدئولوژی اسلام سنی و ایدئولوژی اسلام شیعی تفاوت چندانی نیست، اما در اسلام شیعی مباحث حقوق بشری با توجه به روایات ائمه معصومین شیعیان در کتب نهج البلاغه، رساله حقوق و صحیفه سجادیه مدوّن شده است، از این حیث از جایگاه ویژه‌ای میان صاحب‌نظران برخوردار است. بطور کلی اهداف نهج البلاغه و یا سایر کتب شیعی، اجرای شریعت در جامعه اسلامی برای تعالی بشریت است، ازین‌رو حقوق انسان‌ها مانند: حق حیات، حق تفکر، حق آزادی، حق امنیت، حق بهره‌برداری از طبیعت، حق تعلیم و تربیت و حق دادخواهی و امثال آنها را محترم می‌شمارد.

۶-۱. کرامت انسانی

مهم‌ترین اصل و پایه حقوق بشر، «کرامت انسانی» است. «کرامت» به معنای بزرگی و ارجمندی بوده؛ یعنی انسان بنابر انسان بودنش و براساس خلقت، دارای شرافت و بزرگی است. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه بعد از شرح آفرینش حضرت آدم (ع) می‌فرماید: «خداوند پاک از فرشتگان خواست تا به ادای امانتی که نزد آنان نهاده و سفارشی که به آنان نموده بود، در انجام سجده برای آدم و فروتنی به جهت گرامیداشت او برخیزند...» (نهج البلاغه، خطبه: ۱). امام رضا (ع) سجده فرشتگان را به عنوان اکرام آدمی دانسته و می‌فرماید: «سجده فرشتگان برای خداوند، به عنوان پرستش بود، و برای آدم به عنوان اکرام و احترام» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۵۴۱).

۶-۲. خداجو بودن انسان

انسان فطرتاً خداجو بوده و «فطرت توحیدی» چیزی است که نهاد آدمی به آن گواهی داده و «فطری بودن شناخت خدا» بدین معنی است که دل انسان، با خدا آشنا بوده و در ژرفای روح وی، مایه‌ای برای شناخت آگاهانه خدا وجود دارد که قابل رشد و شکوفایی است. امام علی (ع) درباره احساس فطری توحید، برترین چیزی که اهل توسل به خداوند پاک و بلند مرتبه، به آن توسل جویند را ایمان به خدا و رسولش، و جهاد در راه او می‌داند (نهج البلاغه، خطبه: ۱۱۰). بنابراین، حقوق اسلامی منطبق با حقوق فطری است، یعنی فطرت یکی از مهم‌ترین مبانی حقوق اسلامی بوده و در تنظیم حقوق بشر، باید اصل فطرت نیز به عنوان یک اصل مبنایی مورد توجه قرار گیرد.

۶-۳. جاودانه بودن انسان

از دیگر اصول مهم حقوق بشر در اسلام، این است که انسان هرگز به نابودی و نیستی منتهی نمی‌شود. در

برخی از آیات قرآن کریم در مورد زندگی اخروی انسان، تعبیر به «خلود» شده که به معنای «دوام و بقاء» می‌باشد. امام علی (ع) در موارد متعددی به جاودانگی انسان در عالم بقاء اشاره فرموده‌اند، از جمله می‌فرمایند: «پس در روزهای گذران، برای روزهای بی‌پایان توشه بردارید» (نهج البلاغه، خطبه: ۶۴). بدین ترتیب باید در مباحث حقوق بشری به این اصل نیز توجه شود که انسان فقط در دنیا حیات ندارد، بلکه حیاتش ادامه‌دار است.

۶-۴. حق حیات و امنیت

اصلی‌ترین حق آدمی که پایه دیگر حقوق به‌شمار می‌رود، حق حیات است که مطابق آن هر انسانی از هر نژاد و ملیت و مذهبی، از زمانی که در رحم مادر قرار می‌گیرد، تا زمانی که آخرین نفس زندگی را می‌کشد، از آن نظر که انسان است، واجد حق حیات بوده و تا زمانی که این حق برای افراد تأمین نگردد، نوبت به سایر حقوق نمی‌رسد. با دقت در آموزه‌های دین مبین اسلام این نکته برداشت می‌شود که خداوند برای این حق تا حدی ارزش قائل شده و در قرآن کریم فرموده: «هر کس شخصی را بدون (ارتکاب قتل) کسی یا فسادی در زمین بکشد، پس، گویا همه مردم را کشته؛ و هر کس، شخصی را زنده بدارد، پس گویا همه مردم را زنده داشته است. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر، جان مردم را محترم شمرده و در مورد ریختن خون مردم به ناحق، می‌فرمایند: «از خونریزی به ناحق بپرهیز (نهج البلاغه، نامه: ۵۳)؛ زیرا هیچ چیزی بیش از خونریزی به ناحق، انتقام الهی را نزدیک نمی‌کند و پیامدهای بزرگ ندارد و زوال نعمت و بریده شدن رشته عمر و دولت را سبب نمی‌شود». حق حیات، که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن تصریح شده، نه تنها شامل حمایت از فرد در برابر هرگونه تجاوز به زندگی و تمامیت جسمی اوست، بلکه حمایت از انسان در برابر بینوایی و خطراتی که جسم و جان او را تهدید می‌کند را نیز در برمی‌گیرد.

۶-۵. آزادی

آزادی یکی از اصیل‌ترین حقوق نوع بشر به‌شمار می‌رود؛ به گونه‌ای که همگان آن را می‌ستایند و منظور از آزادی شخصی این است که آدمی مالک اراده و اختیار و سرنوشتش باشد و کسی حق نداشته باشد جان و مال و اراده‌اش را تملک کند. آزادی‌های شخصی که در مواد ۳ تا ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده، قرن‌ها قبل از این در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر اسلام همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و حق دارند آزاد زندگی کنند و در حقوق اسلامی هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. امام علی (ع) در تأیید این حق، تصریح فرمودند: «خود را از تن دادن به هر کار پستی گرامی دار؛ اگرچه، آن کار تو را به

خواسته‌هایت برساند؛ زیرا، در برابر آنچه از شخصیت خود از دست می‌دهی، عوضی دریافت نمی‌داری و بنده دیگری مباش که خداوند، تو را آزاد آفریده است» (نهج البلاغه، نامه: ۳۱).

۶-۶. حق دفاع و احقاق حق

امام علی (ع) نه تنها به شخص ستم‌دیده حق دفاع و احقاق حق می‌دهد، بلکه به دولت اسلامی دستور می‌دهد همه‌گونه وسائل آسان را برای دادخواهی او فراهم سازد. در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر، چنین می‌فرماید: «قسمتی از اوقات خود را برای کسانی که به تو نیازمندند، اختصاص ده و در مجلس عمومی بنشین و برای خدائی که تو را آفریده، فروتنی نما، لشگریان و یاران از نگهبانان و پاسبانان خود را از آنها بازدار، تا سخنگوی ایشان بی‌ترس و واهمه با تو سخن بگوید؛ زیرا من بارها از پیغمبر شنیدم که می‌فرمود: هرگز امتی که حق ناتوان را بدون ترس و نگرانی از زورمندان نگیرد، رنگ سعادت نخواهد دید» (نهج البلاغه، نامه: ۵۳).

۶-۷. حق مالکیت

در دین اسلام، به افراد تحصیل مال و ثروت از راه مشروع اجازه داده شده و احدی حق تعدی به مال دیگران را ندارد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «و به مال هیچ‌کس دست نبرید. «آزادی مال قسمی از آزادی‌های فردی است که به موجب آن شخص بتواند در حدود قانون، مالک مال شود و بتواند آزادانه مال خود را به مصرف برساند و بدون مجوز قانونی، مالی از مالکیت وی خارج نشود» (مدرس، ۱۳۷۵).

۶-۸. حق آزادی مذهب

آزادی مذهب نوعی از آزادی‌های فردی است که به موجب آن هر فرد حق دارد در امور مذهبی، دارای عقیده یا فاقد عقیده باشد و عقیده خود را فاش نماید، و نباید در پذیرش دین، هیچ اجباری باشد. لذا، خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۵). در واقع با مطالعه و دقت در آیات و روایات، این نکته به چشم می‌خورد که خداوند به هیچ‌یک از فرستادگان خود از آدم تا خاتم (ص)، فرمان نداده که مردم را با اجبار و اکراه دیندار کنند، بلکه وظیفه اصلی آن بزرگواران، ابلاغ پیام الهی بود. امام علی (ع) در حکمتی از نهج البلاغه می‌فرماید: «خداوند سبحان بندگان را امر کرده به اختیار، و نهی فرموده با بیم و ترس (از عذاب)، و تکلیف کرده به آسان، و دستور نداده به کار دشوار. او کردار اندک را پاداش بسیار عطاء فرموده و او را نافرمانی نکرده‌اند از جهت اینکه مغلوب شده باشد، و فرمانش را نبرده‌اند، از جهت اینکه مجبور کرده باشد...» (نهج البلاغه، حکمت: ۷۸). امر و نهی بندگان نشانه اختیار و آزادی آن‌هاست، بدین معنی که به انسان‌ها حق انتخاب داده شده است (رشاد، ۱۳۸۰). همچنین در نامه‌ای که به مالک اشتر نخی در مورد

مردم مصرکه تعداد زیادی از آنها مسیحی و غیرمسلمان بودند، می‌فرماید: «بر آنان چون حیوانی دژنده مباش که خوردن‌شان را غنیمت شماری؛ زیرا آنان دو گروهند، یا برادران دینی تو هستند و یا هم‌نوعان تو در آفرینش (نهج‌البلاغه، نامه: ۵۳).

۶-۹. حق تعیین سرنوشت و آزادی سیاسی

جامعه آزاد جامعه‌ای است که در آن افراد از حق تعیین سرنوشت برخوردار باشند. در ایدئولوژی اسلام شیعی امامت و حاکمیت جامعه اسلامی منصبی الهی است و امام با انتصاب خدا و رسول صورت می‌گیرد، ولی مردم در پذیرش یا عدم پذیرش این حاکمیت و ولایت آزادند. به عبارت دیگر، امامت منصبی است که مشروعیت آن الهی و مقبولیت آن مردمی بوده و توسط مردم فعلیت پیدا می‌کند (کدیور، ۱۳۷۶). بنابراین، مردم می‌توانند در تعیین سرنوشت سیاسی خود دخالت داشته باشند، در مفاد ۱۸ تا ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی اندیشه و سایر آزادی‌های سیاسی مانند حق حاکمیت، مشارکت در اداره امور عمومی کشور، حق انتقاد و پرسش از مسئولان بیان شده است. امام علی(ع) در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر می‌فرماید: «... در امور کارگزاران بنگر و آنان را پس از آزمایش به کار گمار، و از روی میل شخصی و خودرأیی به ولایت مگمار، که این دو چیز، جامع همه شاخه‌های ستم و خیانت است. از میان آنان کسانی را که باتجربه و باحیاء هستند بجوی؛ کسانی که از خاندان‌های اصیل، شایسته و دارای سابقه درخشان در اسلام باشند» (نهج‌البلاغه، نامه: ۵۳). بنابراین، همان‌طور که حضرت فرمودند، افراد برای تصدی منصب‌های مختلف، باید شایستگی تصدی آن را داشته باشند. از طرفی، حق آزادی بیان و قلم است که مردم حق دارند نظرات انتقادی و اصلاحی خود را بدون ترس و واهمه ارائه دهند. امام علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «با زبانی که با گردنکشان سخن گویند، با من سخن نگویند، و از گفتن آنچه پیش مردم خشمگین خودداری کنند، پیش من خودداری نکنید، و با چاپلوسی و مدارا با من آمیزش نکنید، و نپندارید که اگر سخن حقی به من گفته شود، بر من گران آید، یا بخواهم خود را بزرگ‌تر از آن ببینم، که سخن حقی به من گفته شود؛ زیرا هر که شنیدن سخن حق و یا عرضه شدن عدالت بر او گران آید، اجرای آنها بر او دشوارتر و گران‌تر می‌نماید. پس زنهار از گفتن هر حرف حقی و یا مشورت به عدلی در نزد من، خودداری نکنید» (نهج‌البلاغه، خطبه: ۲۱۶).

۶-۱۰. حقوق متقابل حاکم و مردم

از بین حقوق اجتماعی، بزرگ‌ترین و عظیم‌ترین حقوق، حقوق حاکم و رعیت می‌باشد. حضرت علی(ع) در این زمینه می‌فرماید: «بزرگ‌ترین حق از این حقوق، که خدای سبحان قرار داده، حق فرمانروا بر رعیت، و

حق رعیت بر فرمانروا است، حق واجبی که خدای سبحان برای هر یک بر دیگری واجب نموده است» (نهج البلاغه، خطبه: ۲۱۶). همچنین در جای دیگر می‌فرماید: «مردم! مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم و حقی را که از بیت‌المال دادید، بگزارم، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید. اما حق شما بر من این است که به بیعت وفا کنید و در نهان و آشکارا، حق خیرخواهی را ادا کنید. چون شما را بخوانم، بیایید و چون فرمان دهم، بپذیرید و از عهده برآیید» (نهج البلاغه، خطبه: ۳۴). حضرت علی (ع) خیرخواهی مردم، ایجاد بستر عدالت اقتصادی و رفاه اجتماعی، رسیدگی به امور کارگزاران، بررسی نیازهای مردم اعم از نیازهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، تعلیم و تربیت مردم، حُسن خلق و تواضع در برخورد با مردم را از وظایف حاکم در برابر مردم جامعه می‌داند. موارد فوق را می‌توان در ماده ۲۵ بیانیه جهانی حقوق بشر مشاهده کرد، که می‌گوید: هر کس حق دارد از يك سطح زندگی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده‌اش از جمله خوراک، لباس، مسکن و بهداشت را تأمین کند. همچنین حق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام بیکاری، بیماری، درماندگی، بیوگی و پیری یا در سایر موارد که بنا به اوضاع و احوال بیرون از اراده او، وسایل معاش وی را مختل گرداند، استفاده کند (بسته نگار، ۱۳۸۰)؛ یعنی اگر حاکم وظایف خود را به درستی انجام دهد، مردم از یک سطح زندگی خوبی برخوردار خواهند بود.

۶-۱۱. حق برابری و مساوات

حق مساوات و برابری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده، از اصول مسلم حقوق اسلام است. اسلام همه افراد بشر را برابر می‌شناسد و هیچ‌گونه امتیازی برای افراد به علت نژاد، زبان، رنگ، ثروت، ملیت و تعلق به سرزمین خاص، قائل نیست. در ایدئولوژی اسلام شیعی مساوات مصداقی از عدالت است، به طوری که امام علی (ع) در نهج البلاغه به سه مورد اشاره می‌کند:

الف) مساوات در بهره‌مندی از بیت‌المال: امام علی (ع) در روز بعد از بیعت با مسلمین در بخشی از يك سخنرانی فرمودند: «شما بندگان خدا هستید و مال از آن خداست که آن را بین شما به صورت مساوی تقسیم می‌کنم و هیچ کسی را در برابر کسی دیگر برتری نیست و افراد پرهیزگار در قیامت از خداوند پاداش می‌گیرند. نزد من مالی است که میان‌تان تقسیم خواهم کرد و درباره هیچ يك از شما تخلف نخواهد شد، چه عرب باشد، چه عجم، اهل بخشش باشد یا نه...» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ج ۷، ص ۳۷).

ب) مساوات در برابر قانون: امام علی (ع) در مقابل قانون، همه را دارای حق مساوی می‌دانست، از

تبعیض، اغماض و یا زیاده‌روی به شدت پرهیز می‌کرد، و به سیره پیامبر اکرم (ص) در عین تشبیه خطاکاران، به رعایت حقوق آنان و خانواده‌شان توجه می‌نمود (نهج البلاغه، خطبه: ۱۲۷).

ج) مساوات در رجوع به دادگاه صالح و رسیدگی عادلانه: رعایت مساوات از سوی حاکمان برای مردم، از جمله اصول مسلم در زمامداری امام علی (ع) است. او در بخشنامه‌ای به والیان دستور داد که حتی در نگاه کردن به فراخواندن مسلمانان، با همه یکسان عمل کنند (نهج البلاغه، نامه: ۴۷).

۶-۱۲. حق شهروندی

در بحث حقوق شهروندان باید به موضوعات مهم از جمله حق حیات، عدالت، آزادی، حق متقابل حکومت و مردم، مشارکت مردم و... توجه کرد. این موضوعات در اسلام شیعی از جایگاه بالایی برخوردار بوده است، به طوری که امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر در زمینه حق حیات، از ریختن خون مردم به ناحق بر حذر می‌دارد (نهج البلاغه، نامه: ۵۳). حقوق انسانی در کلام امام علی (ع) محترم شمرده شده و محافظت از آن مفروض است. لذا، در پناه حاکمیت اسلامی جان و اموال مردم محترم شمرده می‌شود و حاکمیت خود را موظف به ملاحظه این امر مهم می‌داند. همه افراد جامعه از حق حیات برخوردارند و اموالشان نیز مصون از تعرض باقی می‌ماند. از آنجا که حق آزادی در مناسبات مردم با حکومت تعریف می‌شود، امام علی (ع) حاکمان را به سعه‌صدر در برابر مردم فرامی‌خواند (نهج البلاغه، حکمت: ۱۷۶) و واژه «عدل و عدالت» نیز در فرمایشات امام علی (ع) از جایگاه بالایی برخوردار است، به طوری که در معانی متعددی از این واژه استفاده فرمودند، مانند: عدل به معنای قوی‌ترین بنیان (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، حدیث ۱۸۷۳)، عدل به معنای میزان الهی (همان: حدیث ۳۴۶۴)، عدل به معنای بنیاد زندگی مردم (همان: حدیث ۱۹۵۴)، عدل به معنای زیبایی کار حکمرانان (همان).

هنگامی که امام علی (ع) در مورد مفهوم حق صحبت می‌کند، به موضوع متقابل بودن حق بین حکومت و مردم می‌پردازد و بیان می‌دارد: «حق، فراترین چیزها هنگام وصف و گفت‌وگو با یکدیگر، و تنگ‌ترین چیزها زمان کردار و انصاف دادن با هم است. کسی را بردیگری حقی نیست، جز اینکه آن دیگری را نیز بر او حقی است» (نهج البلاغه، خطبه: ۲۰۷). تأکید امام علی (ع) به حقوق مردم به معنای حقوق شیعیان و طرفداران حضرت نیست، بلکه همه مردم از اقوام و فرهنگ‌های مختلف را دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب توجه ایشان به همه شهروندان یک جامعه است. یعنی هرکس که در این شهر به سر می‌برد، دارای حقوق و وظایفی است که لازم‌الاتباع بوده و یکایک افراد ساکن در این شهر به عنوان عضوی از آن به حساب می‌آیند و باید از ظرفیت‌های آن برخوردار شوند. امام علی (ع) چندین بار از واژه «تعاون» در خطبه ۲۰۷ استفاده نموده که به

معنای این است که برپا داشتن حق، جز از طریق تعاون میسر نمی‌شود و بدون همکاری و مشارکت مردم، استقرار نمی‌یابد. به همین دلیل همه شهروندان جامعه حق مشارکت دارند. به طور کلی مشارکت زمانی رخ می‌دهد که حقوق افراد محترم شمرده شود و این تنها راه کشاندن مردم به انجام وظایف خود است. از اینجا راه ارتباط متقابل بین مردم و حکومت گشوده می‌شود و مشارکت معنا پیدا می‌کند. این به معنای حق تساوی مدنی کانتی از حیث مشارکت همه شهروندان و نیز تبدیل «شهروند منفعل» به «شهروند فعال» است (کانت، ۱۳۸۸: ص ۱۷۰). همه آنها برای غلبه نیافتن یکی بر دیگری است. در واقع حاکم و مردم در رابطه دوسویه قرار می‌گیرند، تافته‌ها و نابخردی‌ها از میان برخیزد. کمک متقابل این دو، زمینه برپایی حق را فراهم می‌سازد و این نکته به وضوح از کلمات حضرت استنباط می‌شود. مشارکت مستلزم دو شرط است: اول، به رسمیت شناخته شدن عضویت فرد در حیات جمعی، و دوم، انجام وظایف مدنی از ناحیه شهروندان. بطور کلی از سخنان امام علی (ع) می‌توان نتیجه گرفت که ایشان درصدد نهادینه‌سازی مشارکت همگانی در حیات اجتماعی است، بدین ترتیب، بسیاری از وظایف دولت برعهده شهروندان یا اهالی مدینه نهاده می‌شود و مردم خود را عضو و شریک زندگی شهری می‌دانند و از این رو، در سرنوشت آن دخالت می‌کنند. زمانی که افراد جامعه در فکر یاری‌رسانی به یکدیگر باشند و در شرایط زندگی جمعی وارد بشوند، اخلاق در بین مردم جریان پیدا می‌کند و جامعه به سوی اخلاقی شدن گام برمی‌دارد. چون افراد از یک‌سو دارای حقوقی بوده و از سوی دیگر، تکالیفی را به انجام می‌رسانند که در نسبت بین آنها وجود دارد. در حقیقت، دیگری به رسمیت شناخته می‌شود و فرد این احساس را خواهد داشت که غیر از خویشتن، کسان دیگری هم برای او مطرح هستند که واجد حقوقی بوده و در عین حال، تکالیفی را در قبال دیگران انجام می‌دهند. لذا، برابری و عدالت همواره در مفهوم شهروندی مطرح است؛ زیرا ابزاری وجود ندارد تا برتری یک گروه بر دیگری را نشان بدهد، پس، همه گروه‌ها برابرند. این نکته‌ای است که در پیام‌های امام علی (ع) در نهج‌البلاغه مشاهده می‌شود، یعنی برابری همگان در برابر قانون و در برابر حکومت. بنابراین، باید گفت کسانی که در مدینه اسلام به سر می‌برند، شهروند محسوب شده، بنابراین، دارای حقوقی خواهند بود که دیگران نیز از آن برخوردارند. همانگونه که امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر بدون نگاه عقیدتی و بدون تفکیک گروه‌های مردم، یک نگاه همگانی و فراگیر را گسترش داده و از مالک اشتر می‌خواهد که اصناف مردم را به طور برابر و مساوی بنگرد و به امور آنها رسیدگی کند. یعنی حکمران باید همواره تلاش کند تا مردم در آسایش به سر برند. از طرفی زندگی مدنی زمانی در نهج‌البلاغه مورد توجه قرار می‌گیرد که جوامع اروپایی در قالب نظام‌های فنودالی و با حاکمیت لردها اداره می‌شدند و حکام محلی از پدیده‌های شهری که در حال شکل‌گیری بودند، تلقی مساعدی نداشتند (و بر،

۱۳۶۹: ص ۲۴۴) و به واسطه اشاعه اقتصاد پولی در اروپا، این تحولات در حال پدیدار شدن بودند. حال آنکه، به وجود آمدن شهرها در جامعه‌های مسلمان در حدود قرن هشتم میلادی، به واسطه اخلاق خاص شهرنشینی پدید می‌آمد. این اخلاق به طور کلی درصدد تنظیم زندگی مردم و تصحیح روابط آنها با یکدیگر بود، و حق شهروندی، چیزی نبود که برخی از آن برخوردار شده و برخی دیگر محروم بمانند، بلکه این حق شامل همه کسانی بود که در حوزه حاکمیت مسلمانان زندگی می‌کردند.

۷. نتیجه‌گیری

حقوق بشر در معنای اصطلاحی آن، حتی در اندیشه و حقوق غرب سابقه تاریخی کهنی ندارد، مهم‌ترین بنیادهای فکری حقوق بشر در ایدئولوژی اسلام شیعی که نوعاً در نهج‌البلاغه مطرح شده، عبارتند از: اصل کرامت، خداجو بودن، جاودانگی انسان، حق حیات و امنیت، حق آزادی، حق دفاع و احقاق حق، حق مالکیت، حق آزادی مذهب، حق تعیین سرنوشت و آزادی سیاسی، حقوق متقابل حاکم و مردم، حق برابری و مساوات و حق شهروندی، که با مقایسه گذرا با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر نشان داده شد که:

الف) حقوق بشر چیزی نیست که مکاتب غربی مبتکر آن باشند، بلکه ادیان الهی و بویژه دین مبین اسلام که برای احقاق همه حقوق از جمله حقوق بشر آمده، حقوق بشر را به بشریت عرضه کرده و در منابع دینی از جمله قرآن و نهج‌البلاغه به وضوح بر این حقوق تاکید شده است. اما اصطلاح «حقوق بشر» اصطلاحی جدید بوده و مبدع آن غربی‌ها هستند که بعد از جنگ جهانی دوم رواج یافت.

ب) به دلیل توجه به بنیادهای فکری مانند خداجو بودن و جاودانگی انسان در اسلام و عدم توجه به آن در حقوق بشر غربی، برخی از اصولی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح می‌گردد، با بنیادهای فکری حقوق بشر اسلامی تفاوت دارد.

ج) طرح حقوق بشر اسلامی صرفاً یک مقابله به مثل در برابر حقوق بشر غربی نیست، بلکه این مفاهیم از قدیم‌الایام در حقوق اسلامی و قوانین فقهی آن مطرح بوده‌اند.

د) همه آنچه که با عنوان حقوق بشر در منابع اسلامی از جمله نهج‌البلاغه مطرح می‌شود، از احکام تأسیسی اسلام نیست، بلکه بخشی از این مفاهیم جزء احکام امضائی اسلام بوده که به دلیل منطقی و متناسب بودن با فطرت انسان، مورد تأیید قرار گرفته و از دیدگاه اسلام به عنوان حقوق الزامی بشر شناخته شده است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: دار احیاء الکتب العربیه، الطبعة الثانية، ج ۷.

بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۰). حقوق بشر از منظر اندیشمندان. تهران: شرکت سهامی انتشار.

تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالكلم. قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳). ترمینولوژی حقوق. تهران: بنیاد راستا.

ذاکریان، مهدی (۱۳۸۳). مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین‌المللی. تهران: میزان.

رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰). دانشنامه امام علی (ع). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.

شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۱.

کانت، ایمانوئل (۱۳۸۸). فلسفه حقوق. ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی. تهران: نقش و نگار.

کدیور، محسن (۱۳۷۶). نظریه‌های دولت در فقه شیعه. تهران: نشر نی.

مدرس، علی‌اصغر (۱۳۷۵). حقوق فطری یا مبانی حقوق بشر. تبریز: انتشارات موبل.

منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۴). سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با اصول تفسیری حقوق بشر در اسلام. تهران:

تابان.

وبر، ماکس (۱۳۶۹). شهر در گذر زمان. ترجمه و مقدمه: شیوا کاویانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.